



باسمه تعالی

📖 آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر | حجت‌الاسلام محمد زارعی | ۶ بهمن ۱۴۰۴

۱. مقدمه: جایگاه و سیر تکوین اندیشه اقتصادی شهید صدر

- ۱.۱. زمینه تاریخی: تقابل شرق و غرب در جهان اسلام
- ۱.۲. رویکرد نظام‌مند و آثار کلیدی شهید صدر
- ۱.۳. هفت گام برای آشنایی با اندیشه اقتصادی شهید صدر

۲. گام اول: اثبات ضرورت اقتصاد اسلامی

- ۲.۱. راز عقب‌ماندگی مسلمانان: گشایش در برابر فرهنگ غرب
- ۲.۲. تضاد بنیادین انسان غربی و انسان مسلمان
- ۲.۳. عنصر مقاومت انسانی و ضرورت یک نسخه بومی

۳. گام دوم: تبیین ماهیت اقتصاد اسلامی

- ۳.۱. تمایز میان «مکتب اقتصادی» و «علم اقتصاد»
- ۳.۲. ظرفیت تولید علم: نمونه عملی «نهضت مواسات»

۴. گام سوم: ویژگی‌های اقتصاد اسلامی

- ۴.۱. شمول و جامعیت
- ۴.۲. بُعد اخلاقی
- ۴.۳. به هم پیوستگی و نگاه نظام‌وار
- ۴.۳.۱. هدف: تأمین سطح معیشت پایه و کاهش فاصله طبقاتی
- ۴.۳.۲. ابزارهای تنظیم‌گری در نظام اقتصادی اسلام
- ۴.۴. پویایی و انطباق با زمان: نظریه «منطقه الفراغ»

۵. گام چهارم: قواعد کلی اقتصاد اسلامی

۶. گام پنجم: نظریات ابتکاری شهید صدر

- ۶.۱. نظریه توزیع اولیه منابع ثروت
- ۶.۲. نظریه کار و نقش آن در تملک

۷. گام ششم: مسئولیت‌های حکومت اسلامی در اقتصاد

۸. شهید صدر، نظریه‌پردازی در میدان عمل

۹. روش‌شناسی و نظریه‌های اجرایی شهید صدر؛ از نقد غرب تا ارائه جایگزین

- ۹.۱. روش‌شناسی مواجهه: فهم عمیق، نقد بنیادین و ارائه جایگزین
- ۹.۲. مطالعه موردی: تدوین «بانکداری بدون ربا»

۱۰. جمع‌بندی و بازخوانی سیر هفت‌گانه اندیشه اقتصادی صدر

۱. مقدمه: جایگاه و سیر تکوین اندیشه اقتصادی شهید صدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

سلام عرض می‌کنم خدمت همه شما عزیزان. در این جلسه، با موضوع آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر در خدمت شما هستم. پیش از ورود به بحث، لازم است به شخصیت برجسته ایشان اشاره‌ای داشته باشم. شهید سید محمدباقر صدر، شخصیتی کم‌نظیر در جهان اسلام و در دوران معاصر است. نبوغ، تسلط بر جنبه‌های مختلف علوم اسلامی، و جامعیت ایشان به‌عنوان یک فقیه، اصولی، فیلسوف، اقتصاددان، مفسر، سیاست‌مدار و فعال سیاسی-اجتماعی، مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که از یک عالم دینی و انسان فرهیخته انتظار می‌رود و در این شخصیت والا جمع شده است.

۱.۱. زمینه تاریخی: تقابل شرق و غرب در جهان اسلام

نکته‌ای که می‌خواهم پیش از تشریح اندیشه‌های شهید صدر عرض کنم، این است که تا با شرایط زمانی و مکانی‌ای که ایشان در آن به ارائه اندیشه‌های خود پرداختند، آشنا نباشیم، شاید این اندیشه‌ها به‌درستی برای ما تبیین نشود. ایشان در شرایطی از اقتصاد سخن می‌گویند که جوامع اسلامی به‌شدت درگیر ورود اندیشه‌های غربی هستند. از یک سو، نظام سرمایه‌داری (که در اصطلاح تخصصی، نظام کینزی و تئوکینزی نامیده می‌شود) در بخش وسیعی از جوامع اسلامی نفوذ کرده است و از سوی دیگر، بخش دیگری از جهان تحت تأثیر نظام‌های سوسیالیستی و کمونیستی قرار دارند. این اندیشه‌ها، چه شرقی و چه غربی، در جوامع اسلامی رسوخ کرده و فضای فکری را متأثر ساخته‌اند.

در عراق آن زمان نیز، اندیشه‌های مارکسیستی و کمونیستی-سوسیالیستی نفوذ بسیاری داشت. با تشکیل حزب بعث در حدود سال ۱۹۵۰ میلادی، از آنجا که این حزب خود از طرفداران این اندیشه‌ها بود، این تفکرات در عرصه اجتماعی عراق عمق و نفوذ بیشتری پیدا کرد. بنابراین، شهید صدر در چنین شرایطی و با نگاهی دقیق به فضای عراق که در آن زندگی می‌کند و با نظر به کل جوامع اسلامی که درگیر اندیشه‌های شرقی و غربی شده‌اند، افکار و اندیشه‌های خود را ارائه می‌کند.

۱.۲. رویکرد نظام‌مند و آثار کلیدی شهید صدر

یکی از ویژگی‌های بارز اندیشه شهید صدر که البته ممکن است در دیگران نیز دیده شود، اما در تفکر ایشان جلوه ویژه‌ای دارد، این است که ایشان تلاش می‌کنند اندیشه اسلامی را به‌صورت نظام‌مند ارائه کنند. تصمیم ایشان بر این است که تعالیم و اندیشه اسلام را به‌شکل یک نظام منسجم به جوامع اسلامی عرضه نمایند.

برای تحقق این هدف، شهید صدر، چنان‌که می‌دانید، از همان دوران نوجوانی به نویسندگی روی آورد. ایشان در سال ۱۹۳۵ میلادی (۱۳۵۳ قمری) متولد شدند و اولین کتاب خود با عنوان «فدک فی التاریخ» را در سن سیزده-چهارده سالگی (حدود سال ۱۳۶۷ قمری) تألیف کردند که سال‌ها بعد به چاپ رسید. پس از گذراندن دوره‌های علمی، رسیدن به درجه اجتهاد، شرکت در کمیته فقهی شیخ محمدرضا آل یاسین برای حاشیه‌نویسی، گذراندن درس اسفار نزد مرحوم بادکوبه‌ای و تألیف آثار عمیق اصولی مانند «غایة الفکر»، ایشان تدریس درس خارج فقه و اصول خود را آغاز نمودند.

با این پشتوانه علمی، ایشان تصمیم گرفتند اندیشه‌های اسلامی را به صورت نظام‌مند ارائه کنند:

۱. **فلسفتنا:** اولین کتابی که شهید صدر پس از این دوره به رشته تحریر درآوردند، کتاب «فلسفتنا» بود. این کتاب در سال ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۷۹ قمری) نوشته و منتشر شد.

۲. **اقتصادنا:** پس از آن، ایشان قصد داشتند کتاب «مجمعنا» را بنویسند؛ اما به اقتضای زمان و با توجه به شرایطی که ذکر شد و نفوذ اندیشه‌های شرقی و غربی در عرصه اقتصاد، از نگارش آن کتاب صرف نظر کرده و تألیف کتاب «اقتصادنا» را آغاز می‌کنند. جلد اول این کتاب در سال ۱۹۶۱ میلادی (۱۳۸۱ قمری) و جلد دوم آن، پس از وقفه‌ای که به دلیل فعالیت‌های سیاسی ایشان ایجاد شد، دو سال بعد، یعنی در سال ۱۹۶۳ یا ۱۹۶۴ میلادی (۱۳۸۳ قمری) به چاپ رسید. این کتاب در زمان انتشار خود، بازتاب بسیار گسترده‌ای در جهان اسلام داشت و اقتصاددانان بسیاری را به دیدار و گفتگو با ایشان کشاند.

۳. **البنک اللاربوی فی الإسلام (بانک بدون ربا):** در سال ۱۹۶۹ میلادی (۱۳۸۸ قمری)، گروهی از سوی وزارت اوقاف کویت تصمیم به تأسیس یک بانک اسلامی بدون ربا گرفتند. آن‌ها به سه شخصیت برجسته جهان اسلام، از جمله شهید صدر، نامه نوشته و از ایشان طرحی برای این بانک درخواست کردند. شهید صدر پس از بازگشت از سفر حج، کتاب «البنک اللاربوی فی الإسلام» (بانک بدون ربا در اسلام) را در عرض دو ماه به رشته تحریر درآوردند. این کتاب مبنای تشکیل بانک‌های بدون ربا در بسیاری از کشورهای اسلامی، از جمله ایران، قرار گرفت و قانون بانکداری بدون ربا را مصوب سال ۱۳۶۲ نیز بر پایه همین اثر تدوین شد.

۴. **الإسلام يقود الحياة (اسلام، راهبر زندگی):** در اواخر عمر شریفشان و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهید صدر کتاب «الإسلام يقود الحياة» را با توجه به نیازهای جمهوری اسلامی ایران تألیف کردند. در این کتاب، ایشان خلاصه‌ای از طرح کلی و جزئیات اندیشه‌های اقتصادی خود را ارائه نمودند.

ایشان در مقدمه کتاب «بانک بدون ربا» تصریح می‌کنند که طرح ارائه‌شده برای جامعه‌ای است که کاملاً غیراسلامی است و نهادهای آن مبتنی بر نظام سرمایه‌داری است و هدف صرفاً حذف ربا از یک نهاد (بانک) است. اما برای یک

جامعه کاملاً اسلامی که تمام ارکان آن بر اساس اسلام شکل گرفته، باید مفهوم دیگری از بانک و «نظام بانکداری اسلامی» را طراحی کرد. ایشان نگارش این طرح متعالی را در اواخر عمر خود آغاز کردند که با شهادت ایشان ناتمام ماند، اما همان مقدار نوشته شده نیز بسیار کارگشاست و در کتاب «الإسلام يقود الحياة» قابل مطالعه است.

۱.۳. هفت گام برای آشنایی با اندیشه اقتصادی شهید صدر

این یک مرور اجمالی بر سیر تاریخی آثار اقتصادی شهید صدر بود. اما برای آشنایی محتوایی با اندیشه‌های اقتصادی ایشان، من مجموعه مطالب را در هفت گام تنظیم کرده‌ام که اگر کسی این هفت گام را به ترتیب طی کند، به شناخت بسیار خوبی از تفکر اقتصادی شهید صدر دست خواهد یافت.

۲. گام اول: اثبات ضرورت اقتصاد اسلامی

نخستین نکته‌ای که شهید صدر در آثار خود به آن اشاره می‌کند، «اثبات ضرورت توجه به اقتصاد اسلامی به عنوان راه حل برون رفت از مشکلاتی است که جامعه با آن مواجه است». ایشان در مقدمه چاپ دوم جلد دوم کتاب «اقتصادنا» این ضرورت را به تفصیل توضیح می‌دهند. من به همه دوستان، به ویژه علاقه‌مندان به حوزه اقتصاد اسلامی، توصیه می‌کنم که این مقدمه را حتماً مطالعه، مباحثه، و تحلیل کنند. می‌توان گفت این مقدمه، به مثابه کتاب «لمعه» در فقه است؛ همان طور که برای آشنایی با فقه، مطالعه «لمعه» را توصیه می‌کنند، این مقدمه نیز «لمعه اقتصاد اسلامی» است. متأسفانه ما نه تنها در ماهیت اقتصاد اسلامی، بلکه در ضرورت آن نیز همچنان با چالش‌های جدی مواجه هستیم.

۲.۱. راز عقب ماندگی مسلمانان: گشایش در برابر فرهنگ غرب

شهید صدر بحث را این گونه آغاز می‌کند که راز عقب ماندگی مسلمانان، به ویژه در عرصه اقتصادی، چیست؟ چرا مسلمانانی که روزگاری برای چند صد سال در اوج تمدن قرار داشتند، ناگهان دچار افول شدند، در حالی که غربی‌ها از دوره رنسانس و با کشف ماشین بخار و توسل به استعمار و استثمار، پیشرفت کرده و امروز اقتصادشان بر جهان حکمرانی می‌کند؟

ایشان به خوبی راز این عقب ماندگی را بیان می‌کنند و معتقدند علت این بود که مسلمانان، دروازه‌های اسلام و فرهنگ خود را به روی فرهنگ و اندیشه غرب گشودند. مشکلات و عقب افتادگی مسلمانان دقیقاً از زمانی آغاز شد که پذیرفتند اندیشه‌های غربی را وارد حیات فکری خود کنند. اندیشمندان مسلمان برای جبران عقب ماندگی از غرب، این راه حل را پیشنهاد دادند که بینیم غربی‌ها چه کرده‌اند و ما نیز همان کار را تکرار کنیم تا به پیشرفت اقتصادی دست یابیم.

نسخه‌ای که اندیشه غرب برای پیشرفت اقتصادی پیچیده بود، چه بود؟ غربی‌ها گفتند اگر می‌خواهید مانند ما پیشرفت کنید، باید هم در عرصه سیاسی، هم در عرصه اقتصادی و هم در راه و روش زندگی، از ما تبعیت کنید. مسلمانان این نسخه را پذیرفتند...

۲.۲. تضاد بنیادین انسان غربی و انسان مسلمان

مسلمانان این نسخه‌ها را دریافت کردند و برای اجرا به جوامع اسلامی آوردند؛ اما با مشکلاتی مواجه شدند. در مرحله‌ای، اندیشه‌های لیبرالی، سرمایه‌داری و کاپیتالیستی را به کار گرفتند، اما مشاهده کردند که جوامع اسلامی پذیرای این اندیشه‌ها نیستند؛ چرا که این جوامع خود زخم‌خورده همین تفکرات بودند و بسیاری از آن‌ها یا مستعمره غرب به شمار می‌رفتند یا تحت نفوذ و سلطه اقتصادی آن قرار داشتند.

پس از آن، به جای اندیشه‌های کاپیتالیستی، به سراغ نسخه‌های شرقی و سوسیالیستی رفتند؛ اما این تلاش‌ها نیز به نتیجه نرسید. تجربه نشان داد که نه اندیشه‌های غربی و نه اندیشه‌های شرقی، هیچ‌یک برای جوامع اسلامی کارساز نیست. اگر به جامعه خود و سایر جوامع اسلامی بنگریم، درمی‌یابیم که همه آن‌ها با مشکلاتی نظیر تورم، رکود و معضلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که در کشورهای غربی وجود دارد، دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

علت عدم کارایی نسخه‌های غربی در جوامع اسلامی چیست؟ شهید صدر این موضوع را با تحلیل تفاوت میان «انسان غربی» و «انسان مسلمان» ریشه‌یابی می‌کند. انسان غربی ارتباط خود را با عالم غیب قطع کرده، نگاهش را از آسمان برگرفته و به زمین دوخته است. او به جای آنکه نیازهای خود را از اندیشه‌های الهی تأمین کند، بر فکر، عقل و اندیشه خویش تکیه کرده و خودمحور شده است؛ در نتیجه، اندیشه‌هایی نظیر اومانیسم، اصالت لذت و خودپرستی در غرب شکل گرفته است. شهید صدر نکته مهمی را بیان می‌کند که برای فضای امروز ما بسیار مفید است: انسان غربی که نگاه خود را از عالم بالا بریده و به زمین دوخته است، در مواجهه با اندیشه‌های الهی که پیامبران برای بشر آورده‌اند، آن اندیشه‌ها را نیز زمینی تحلیل می‌کند و متناسب با نگاه مادی خود به توجیه و تفسیر آن‌ها می‌پردازد، بدون آنکه به حقیقت و عمق آن توجه کند. آن‌ها با همین نگاه اومانیستی و خودپرستانه، اما با شعار آزادی، مکتب اصالت منفعت و مکتب اصالت لذت را تأسیس کردند.

اما انسان مسلمان، انسانی است که نگاهش به عالم غیب است و به آن ایمان دارد. چنین انسانی نمی‌تواند مانند انسان غربی فکر کند. انسان غربی خود را کاملاً آزاد می‌پندارد، اما انسان مسلمان چنین نیست. انسان مسلمان از بیرون برای رهایی از شر طاغوت تلاش می‌کند و از درون می‌کوشد تا از خودپرستی، شهوت‌پرستی و خودخواهی آزاد شود. در اسلام نیز شعار آزادی وجود دارد، اما به این شکل است: انسان مسلمان خود را آزاد بی‌قید و رها نمی‌پندارد.

غربی‌ها، به‌ویژه پس از کنار گذاشتن دین، کشف ماشین بخار و رونق تجارت دریایی، به اقصای نقاط جهان سفر کردند و تا جایی که توانستند، به کشتار و غارت پرداختند، اموال و ثروت‌های ملت‌های دیگر را به یغما بردند و به کشور خود منتقل ساختند و از این طریق به پیشرفت اقتصادی دست یافتند. کاری که انگلستان بر سر هند آورد، یا صنعتی شدن برده‌داری که تا قرن‌ها سودآورترین صنعت در انگلستان بود، نمونه‌های روشنی از این رویکرد است. آیا انسان مسلمان می‌تواند چنین اعمالی را انجام دهد؟

۲.۳. عنصر مقاومت انسانی و ضرورت یک نسخه بومی

تحلیل شهید صدر این است که اندیشه اقتصاد غرب، در جامعه غربی، اندیشه‌ای موفق محسوب می‌شود. علت موفقیت آن، تناسبش با بافت فکری، درونی، روحی، اجتماعی و سیاسی انسان غربی است. انسان غربی که خدا را کنار گذاشته، تنها هدفش منفعت شخصی و لذت‌جویی است و هیچ قید و بندی را در برابر خود احساس نمی‌کند. تنها عاملی که می‌تواند مانع لذت‌جویی و منفعت‌طلبی او شود، تزامم با منفعت دیگری است. این همان سخن آدام اسمیت، بنیان‌گذار مکتب کلاسیک اقتصاد است که معتقد بود انسان باید به دنبال منفعت شخصی خود باشد و منفعت جامعه نیز در همین راستا محقق خواهد شد. در این اندیشه، تنها چیزی که منفعت‌طلبی یک انسان را محدود می‌کند، منفعت انسان دیگر است.

حال باید پرسید آیا بافت فکری، فرهنگی، اعتقادی و روانی جامعه اسلامی با چنین اندیشه‌ای سازگاری دارد؟ آیا انسان مسلمان به خود اجازه می‌دهد حق حیات را از انسان دیگری سلب کند، به سرزمین او حمله کرده، اموالش را غارت کند و مردمانش را به اسارت بگیرد؟ شهید صدر در مقایسه انسان مسلمان و انسان غربی، به یک نکته کلیدی می‌رسد. ایشان این پدیده را با تعبیر «عَنْصَرُ الْمَقَاوِمَةِ الْبَشَرِيَّةِ» (عنصر مقاومت انسانی) توصیف می‌کنند؛ یعنی انسان مسلمان و جامعه اسلامی، زمانی که این اندیشه‌ها به آن عرضه می‌شود، در برابر آن مقاومت می‌کند و زیر بار آن نمی‌رود. بافت فکری، فرهنگی و روحی-روانی جوامع اسلامی با این اندیشه‌ها سازگاری ندارد.

این، لب کلام و مهم‌ترین استدلالی است که شهید صدر در مقدمه چاپ دوم «اقتصادنا» مطرح می‌کند و در نهایت اثبات می‌نماید که برای برون‌رفت از مشکلات، راهی جز رجوع به اقتصاد اسلامی و اندیشه‌های ناب اسلامی وجود ندارد. جامعه اسلامی نسخه اختصاصی خود را می‌طلبد و نسخه‌های غربی برای آن کارساز نیست.

۳. گام دوم: تبیین ماهیت اقتصاد اسلامی

پس از اثبات ضرورت اقتصاد اسلامی، گام دوم، شناخت ماهیت آن است. حال، این اقتصاد اسلامی که از آن سخن می‌گوییم، چیست و چه ماهیتی دارد؟ شهید صدر برای تبیین این موضوع، چه در کتاب «اقتصادنا» و چه در «الإسلام يقود الحياة»، بحثی روشی را تحت عنوان تمایز میان «مکتب (یا مذهب) اقتصادی» و «علم اقتصاد» مطرح می‌کند.

۳.۱. تمایز میان «مکتب اقتصادی» و «علم اقتصاد»

نظر شهید صدر این است که وقتی از «اقتصاد اسلامی» سخن می‌گوییم و معتقدیم اسلام، اقتصاد دارد، منظور ما «علم اقتصاد» به معنای رایج امروزی آن (که ایشان از آن با عنوان «اقتصاد سیاسی» یاد می‌کند) نیست. ایشان می‌فرمایند اسلام دارای «مکتب اقتصادی» است، اما «علم اقتصاد» به معنای امروزی در آن وجود ندارد.

یکی از چالش‌هایی که شهید صدر در آن زمان برای معرفی ماهیت اقتصاد اسلامی با آن مواجه بود، این بود که اساساً کسی باور نمی‌کرد که اسلام بتواند در حوزه اقتصاد سخنی برای گفتن داشته باشد. خود ایشان نقل می‌کنند که در گفتگو با شخصی درباره اقتصاد اسلامی، آن شخص تصور خود را این گونه بیان می‌کرد که سخن گفتن از آن، مانند سخن گفتن از «دایره مربع شکل» است؛ یعنی تا این حد، وجود اقتصاد اسلامی در ذهن آن‌ها محال به نظر می‌رسید.

شهید صدر توضیح می‌دهد که «علم اقتصاد» پدیده‌های عینی و موجود در جامعه را بررسی می‌کند. برای مثال، پدیده‌هایی مانند افزایش یا کاهش قیمت‌ها، افزایش عرضه یک کالا، تغییرات دستمزد، رکود، تورم و... را مشاهده کرده، عوامل و آثار آن‌ها را بررسی می‌کند و ممکن است به قوانینی مانند قانون عرضه و تقاضا دست یابد. اما اسلام، اقتصاد را به این معنا ارائه نمی‌کند. در اسلام، ما با «مکتب یا نظام اقتصادی» مواجه هستیم. مکتب اقتصادی، چارچوب‌ها و بایدها و نبایدها را بیان می‌کند، اما به تحلیل پدیده‌های عینی موجود نمی‌پردازد. در قرآن کریم، این چارچوب‌ها و اصول کلی بیان شده است، نه پدیده‌های اقتصادی روزمره.

به‌طور خلاصه، فرق میان مکتب و علم اقتصاد از دیدگاه ایشان چنین است:

• **مکتب اقتصادی:** روش اداره اقتصاد جامعه برای رسیدن به عدالت را تبیین می‌کند و از **بایدها و نبایدها** سخن می‌گوید.

• **علم اقتصاد:** به بررسی و تحلیل عوامل و آثار **پدیده‌ها و حوادث عینی** در جامعه می‌پردازد.

۳.۲. ظرفیت تولید علم: نمونه عملی «نهضت مواسات»

هر ایدئولوژی و جهان‌بینی‌ای (چه مادی و چه الهی) یک مکتب یا مذهب را شکل می‌دهد. از دل آن مکتب، یک نظام (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) استخراج می‌شود و مبتنی بر آن نظام، یک «علم» به معنای امروزی آن می‌تواند شکل بگیرد. شهید صدر معتقد است بر این اساس، ما در اسلام می‌توانیم «علم اقتصاد اسلامی» داشته باشیم. یعنی اسلام ظرفیت

تولید علم اقتصاد به معنای همین اقتصاد سیاسی روز را دارد، اما این امر نیازمند نظریه پردازی است؛ کاری که شاید آن طور که باید، در حوزه تحلیل پدیده های اقتصادی جامعه انجام نشده است.

کارآمدی یک علم، زمانی مشخص می شود که جامعه با یک بحران مواجه شود و آن علم بتواند برای خروج از بحران، راه حل ارائه دهد. آیا اقتصاد اسلامی ظرفیت حل بحران ها را دارد؟ پاسخ مثبت است. به خاطر بیاورید در ایام شیوع ویروس کرونا، اقتصاد کشور، به ویژه کسب و کارهای خرد، دچار آسیب جدی شد و بسیاری از مردم در تأمین مایحتاج اولیه زندگی خود با مشکل مواجه شدند. در آن شرایط، مقام معظم رهبری با الهام از آموزه های اسلامی، طرح «مواسات و همدلی مؤمنانه» را مطرح فرمودند. «مواسات» یکی از آموزه های اسلام، به ویژه در عرصه مسائل مالی است. این یک اندیشه اخلاقی است که در فقه رایج، جزو واجبات شمرده نمی شود، بلکه از آداب و مستحبات است. (در اینجا باید به این نکته نیز توجه کرد که در نظام سازی اسلامی، نباید خود را به واجبات و محرمات محدود کنیم؛ بلکه آداب، مستحبات و مکروهات نیز باید در این فرآیند دخالت داده شوند، وگرنه ممکن است نظام به خوبی کار نکند).

مشاهده کنید که چگونه یک اندیشه، یک آموزه به ظاهر کوچک که شاید در نگاه اول چندان مورد توجه نباشد، این ظرفیت را دارد که اقتصاد یک کشور را از بحرانی بزرگ نجات دهد. با همین نهضت مواسات، بحران اقتصادی ناشی از کرونا در جامعه ما به خوبی کنترل و مهار شد. مساجد و پایگاه های مردمی به مراکز اجرای این طرح تبدیل شدند، هرکس به قدر توان خود کمک کرد و اقلام ضروری با عزت و احترام به دست نیازمندان رسید و مشکل حل شد. حال این وضعیت را با آنچه در همان ایام در غرب، مثلاً در آمریکا به عنوان مهد دموکراسی و اقتصاد غربی، رخ داد مقایسه کنید: صف های طولانی و چندین کیلومتری برای دریافت یک وعده غذا و درگیری بر سر آن، یا سرقت ماسک از یکدیگر به سبک دزدان دریایی.

اگر کسی همین پدیده «مواسات» را تحلیل کند، عوامل، ریشه ها و آثار اجرای آن را در جامعه بررسی نماید و نتایج آن را مکتوب کند، این تحلیل ها در کنار موارد دیگر می تواند سنگ بنای «علم اقتصاد اسلامی» را بگذارد.

بنابراین، ما در اسلام قطعاً مکتب اقتصادی داریم و مسلمانان از صدر اسلام تا کنون با آموزه های اقتصادی آن زندگی کرده اند. اما این مکتب نیازمند نظریه پردازی و ارائه به شکلی نظام مند است، آن چنان که در مکاتب غربی صورت گرفته است.

۴. گام سوم: ویژگی های اقتصاد اسلامی

پس از اثبات ضرورت و تبیین ماهیت اقتصاد اسلامی، گام سوم شناخت ویژگی‌های آن است. شهید صدر برای اقتصاد اسلامی ویژگی‌هایی را مطرح کرده‌اند که درک آن‌ها برای فهم عمیق این نظام ضروری است، از جمله: شمول و جامعیت، و اخلاقی بودن آن. نگاه ایشان به اقتصاد اسلامی، نگاهی فراتر از باید و نبایدهای فقهی به معنای واجب و حرام است.

۴.۱. شمول و جامعیت

اقتصاد اسلامی، نظامی جامع است که تمام جوانب و نیازهای اقتصادی انسان و جامعه را در بر می‌گیرد و برای آن‌ها راهکار ارائه می‌دهد.

۴.۲. بُعد اخلاقی

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های اقتصاد اسلامی از دیدگاه شهید صدر، ماهیت اخلاقی آن است. این نگاه، اقتصاد را صرفاً به بایدها و نبایدهای فقهی (واجبات و محرمات) محدود نمی‌کند، بلکه آموزه‌های اخلاقی، آداب، مستحبات و مکروهات را نیز جزء لاینفک نظام اقتصادی می‌داند. برای مثال، مفاهیمی چون انفاق، صدقه، مواسات و رسیدگی به همسایه، اگرچه ممکن است در بسیاری از موارد واجب فقهی نباشند، اما در عمل، نقش کلیدی در تنظیم‌گری اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی ایفا می‌کنند.

۴.۳. به هم پیوستگی و نگاه نظام‌وار

شهید صدر تأکید می‌کند که برای درک صحیح اقتصاد اسلامی، باید اجزای آن را به صورت یک نظام یکپارچه و به هم پیوسته تحلیل کرد. نگاه جزئی و منفک به احکام، به درکی ناقص و حتی نادرست می‌انجامد.

به عنوان مثال، اگر به مسئله ارث زن، که نصف مرد است، به صورت مجزا نگاه شود، ممکن است شبهه عدم عدالت ایجاد شود. اما هنگامی که این حکم در کنار سایر اجزای نظام اقتصادی و حقوقی اسلام قرار می‌گیرد، تصویر کاملی از عدالت شکل می‌بندد. در این نظام، وظایف و تکالیف متفاوتی بر عهده زن و مرد گذاشته شده است:

• **تکالیف مرد:** تأمین کامل هزینه‌های زندگی (نفقه)، پرداخت مهریه به زن و سایر مسئولیت‌های مالی بر عهده مرد است.

• **حقوق زن:** زن از تکلیف تأمین هزینه‌های زندگی معاف است و مهریه را نیز به عنوان یک پشتوانه مالی دریافت می‌کند.

با در نظر گرفتن مجموعه این تکالیف و حقوق، مشخص می‌شود که نظام حقوقی و اقتصادی اسلام با این تقسیم‌بندی، تناسب و هماهنگی را در ساختار خانواده و جامعه حفظ کرده است.

۴.۳.۱. هدف: تأمین سطح معیشت پایه و کاهش فاصله طبقاتی

یکی از اهداف کلان مکتب اقتصادی اسلام، نزدیک کردن سطح برخورداری و معیشت مردم به یکدیگر است. البته این به معنای برابری مطلق و سوسیالیستی نیست؛ اسلام تفاوت‌های ناشی از استعداد، توان و تلاش بیشتر را به رسمیت می‌شناسد. با این حال، اسلام بر یک اصل بنیادین تأکید دارد: در جامعه اسلامی، همگان باید از سطح معینی از مایحتاج و ضروریات زندگی برخوردار باشند. خوراک، پوشاک، مسکن و نیازهای اساسی باید به صورت عمومی برای همه افراد جامعه تأمین شود. اگر فردی توانایی تأمین این سطح پایه را نداشته باشد، این وظیفه حکومت اسلامی است که آن را برای وی فراهم آورد.

۴.۳.۲. ابزارهای تنظیم‌گری در نظام اقتصادی اسلام

برای تحقق این هدف، اسلام مجموعه‌ای از ابزارهای تنظیم‌گری اقتصادی را در قالب‌های واجب، مستحب و اخلاقی طراحی کرده است:

- **واجبات مالی:** مانند خمس و زکات که منابع مالی مشخصی را برای مصارف عمومی و فقرزدایی فراهم می‌کنند.
- **توصیه‌های اخلاقی مؤکد:** مانند صدقه و انفاق که روحیه همیاری را در جامعه تقویت می‌کنند.
- **نظام کفارات:** بسیاری از کفارات (جریمه‌های شرعی) مانند کفاره شکستن روزه یا قسم، شامل اطعام فقرا می‌شوند که خود نوعی سازوکار توزیع ثروت است.
- **حقوق اجتماعی و خویشاوندی:** تأکید بر صلۀ رحم (که یکی از مصادیق مهم آن، رفع نیازهای مالی خویشاوندان است) و مسئولیت در قبال همسایه نیازمند.
- **حق معلوم برای محرومان:** قرآن کریم تصریح می‌کند: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (و در اموالشان، حقی برای سائل و محروم بود). این آیه نشان می‌دهد که بخشی از دارایی ثروتمندان، اساساً حق فقراست، نه لطف به آنها.

این نگاه نظام‌وار در روایات نیز بازتاب یافته است؛ آنجا که بیان می‌شود هیچ ثروتمندی به انباشت ثروت نمی‌رسد، مگر آنکه حقی از فقرای کنار او ضایع شده باشد. این مجموعه ابزارها در کنار یکدیگر، یک شبکه تأمین اجتماعی قدرتمند را شکل می‌دهند.

۴.۴. پویایی و انطباق با زمان: نظریه «منطقه الفراغ»

یکی از ویژگی‌های کلیدی که شهید صدر به آن می‌پردازد، توانایی اقتصاد اسلامی برای پاسخگویی به نیازهای متغیر زمانه است. در پاسخ به این پرسش که چگونه آموزه‌های ۱۴۰۰ سال پیش می‌توانند مسائل اقتصادی امروز را حل کنند، شهید صدر نظریه «منطقه الفراغ» (حوزه خالی از حکم ثابت) را مطرح می‌کند.

بر اساس این نظریه، شریعت اسلام شامل دو دسته احکام است:

۱- احکام ثابت: اصول و قوانینی که تغییرناپذیرند.

۲- احکام متغیر: حوزه‌ای که حکم الزامی ثابتی برای آن وجود ندارد و به حاکم اسلامی (ولی فقیه) اختیار داده شده تا متناسب با شرایط و مصالح زمان، قوانین و مقررات لازم را وضع کند.

این حوزه، همان «منطقه الفراغ» است که پویایی نظام اقتصادی اسلام را تضمین می‌کند. وضع مالیات، تغییر در قوانین (مانند یکسان‌سازی دیه زن و مرد یا مسلمان و غیرمسلمان که در ایران معاصر رخ داده است) و سایر مقررات اقتصادی دولت، در چارچوب همین اختیارات قرار می‌گیرد.

۵. گام چهارم: قواعد کلی اقتصاد اسلامی

شهید صدر در کتاب «الإسلام يقود الحياة» (در بخش طرح تفصیلی اقتصاد اسلامی)، سیزده قاعده کلی را به عنوان اصول بنیادین مکتب اقتصادی اسلام استخراج و معرفی می‌کند. این قواعد، چارچوب اصلی نظام اسلامی در حوزه‌های تولید، توزیع، مبادله و مصرف را تبیین می‌نمایند.

۶. گام پنجم: نظریات ابتکاری شهید صدر

فراتر از تبیین قواعد موجود، شهید صدر نظریات منحصر به فردی را به ادبیات اقتصادی عرضه کرد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۶.۱. نظریه توزیع اولیه منابع ثروت

این نظریه یکی از برجسته‌ترین ابتکارات شهید صدر است که در اندیشه اقتصادی غرب، معادلی ندارد. مکاتب غربی، بحث توزیع را از «ثروت تولید شده» آغاز می‌کنند؛ اما شهید صدر یک گام به عقب بازمی‌گردد و بحث را از «نحوه توزیع منابع اولیه تولید ثروت» شروع می‌کند. او در کتاب «اقتصادنا» به تفصیل به این موضوع می‌پردازد که اسلام برای مالکیت و بهره‌برداری از منابع طبیعی (مانند زمین، معادن، آب‌ها و دریاها) چه قواعد و مبانی‌ای را وضع کرده است. این نگاه، عدالت را از ریشه‌ای‌ترین مرحله فعالیت اقتصادی آغاز می‌کند.

۶.۲. نظریه کار و نقش آن در تملک

شهید صدر در کتاب «اقتصادنا»، نظریه مهمی را در مورد «کار» و نقش محوری آن در ایجاد حق مالکیت بر ثروت‌ها مطرح می‌کند که زیربنای بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی ایشان است.

۷. گام ششم: مسئولیت‌های حکومت اسلامی در اقتصاد

شهید صدر وظایف کلانی را برای دولت در نظام اقتصادی اسلام تعریف می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- **تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی (تکافل و توازن):** حکومت موظف است با استفاده از منابع عمومی (انفال، خمس، زکات، مالیات و...)، نیازهای اساسی تمام شهروندان را، صرف‌نظر از دین و مذهبشان، تأمین کند و برای ایجاد تعادل در سطح زندگی جامعه بکوشد. داستان تعیین مقرری از بیت‌المال برای پیرمرد یهودی توسط امیرالمؤمنین (ع) شاهدی بر این مدعا است.

۲- **نظارت بر بخش‌های کلان اقتصادی:** دولت وظیفه دارد بر بخش عمومی، روند تولید (به‌ویژه کالاهای اساسی) و ارزش‌های مبادلاتی در بازار نظارت کند تا از اختلال در اقتصاد و تضییع حقوق مردم جلوگیری نماید.

۸. شهید صدر، نظریه‌پردازی در میدان عمل

شهید صدر صرفاً یک نظریه‌پرداز کنج حجره نبود. او برای تدوین آثار اقتصادی خود، به‌ویژه «اقتصادنا» و کتاب بانکداری، به مطالعه عمیق مکاتب اقتصادی غرب (سرمایه‌داری و مارکسیسم) پرداخت، آن‌ها را تحلیل و نقد کرد و سپس اندیشه‌های خود را به صورت عملی و ناظر به حل مسائل واقعی جامعه ارائه نمود. این رویکرد میدانی، به آثار او عمق و کارآمدی ویژه‌ای بخشیده است.

۹. روش‌شناسی و نظریه‌های اجرایی شهید صدر: از نقد غرب تا ارائه جایگزین

پس از تبیین ماهیت، ویژگی‌ها و اصول بنیادین مکتب اقتصادی اسلام، اکنون به گامی حیاتی در منظومه فکری شهید صدر می‌رسیم: چگونگی گذار از نظریه به عمل و نحوه مواجهه ایشان با مسائل مستحدثه و نظام‌های اقتصادی رقیب. ویژگی برجسته شهید صدر آن است که در حجره و در عزلت به نظریه‌پردازی نپرداخت، بلکه همواره ناظر به مسائل عینی و عملی جامعه بود و برای پاسخ به نیازهای زمانه، اندیشه‌های خود را به صورت کاربردی ارائه می‌کرد.

۹.۱. روش‌شناسی مواجهه: فهم عمیق، نقد بنیادین و ارائه جایگزین

رویکرد شهید صدر در برابر مکاتب اقتصادی غرب (سرمایه‌داری و مارکسیسم) یک الگوی روشمند و دقیق است. ایشان پیش از هرگونه نقد یا ارائه راهکار اسلامی، به مطالعه عمیق و کارشناسانه مبانی فلسفی و سازوکارهای اجرایی آن مکاتب می‌پرداخت. این روش در شاهکار ایشان، کتاب **اقتصادنا**، به وضوح نمایان است:

• **جلد اول اقتصادنا:** تقریباً به طور کامل به تحلیل و نقد ریشه‌ای اندیشه‌های مارکسیستی و سپس سرمایه‌داری اختصاص دارد. ایشان با تسلطی شگفت‌انگیز، مبانی این مکاتب را تشریح و تناقضات درونی و ناکارآمدی‌های عملی آن‌ها را آشکار می‌سازد.

• **جلد دوم اقتصادنا:** پس از بنا نهادن یک شالوده انتقادی محکم، در جلد دوم به تبیین نظام‌مند و جامع مکتب اقتصادی اسلام می‌پردازد.

این رویکرد نشان می‌دهد که شهید صدر، اسلام را نه به عنوان یک واکنش احساسی، بلکه به مثابه یک جایگزین علمی، منطقی و کارآمد برای نظام‌های موجود معرفی می‌کند.

۹.۲. مطالعه موردی: تدوین «بانکداری بدون ربا» (الْبَنْكُ الْاَلَرَبَوِی فِی الْاِسْلَام)

یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های عملی روش‌شناسی شهید صدر، نحوه تدوین کتاب «بانکداری بدون ربا» است. این اثر در پاسخ به یک نیاز واقعی و عینی شکل گرفت:

زمینه شکل‌گیری: درخواستی از کویت به شهید صدر رسید مبنی بر ارائه طرحی برای تأسیس یک بانک که بر اساس اصول اسلامی و بدون ربا فعالیت کند.

مواجهه با چالش: هنگامی که یکی از نزدیکان به ایشان عرض کرد که شما کارشناس امور بانکی نیستید، شهید صدر با خنده‌ای تلخ، آن جمله تاریخی و روشنگر را بیان فرمودند: «أَوَّلَا أَكُونُ خَيْرًا ثَمَّ أَكْتُبُ» (نخست کارشناس می‌شوم، سپس می‌نویسم).

فرآیند تحقیق و تدوین: ایشان به مطالعه دقیق جدیدترین ابزارها، نظریات و سازوکارهای بانکداری متعارف در جهان پرداختند. پس از کسب تسلط کامل بر موضوع، کتاب «بانکداری بدون ربا» را در مدتی کوتاه (حدود دو ماه) به رشته تحریر درآوردند. این کتاب صرفاً یک نقد فقهی نیست، بلکه یک طرح عملیاتی است که با شناخت کامل از نهاد بانک، جایگزین اسلامی آن را ارائه می‌دهد.

تأثیرگذاری: همین کتاب، مبنای اصلی برای تدوین و تصویب «قانون عملیات بانکی بدون ربا» در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ شمسی قرار گرفت و الهام‌بخش شکل‌گیری بانک‌های اسلامی در بسیاری از کشورهای دیگر شد.

۹.۳. خلاصه موجود: فقدان یک منبع جامع و منسجم

با وجود عمق و گستردگی اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر، یکی از چالش‌های اساسی برای پژوهشگران، همان‌طور که در گفتگوها نیز مطرح شد، نبود یک کتاب منسجم با عنوان «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر» است. اندیشه‌های

ایشان در آثار گران سنجی همچون اقتصادنا، الإسلام يقود الحياة (اسلام، راهبر زندگی) و مقالات متعدد پراکنده است. این امر ضرورت تدوین مجموعه‌ای نظام‌مند را دوچندان می‌کند تا علاقه‌مندان بتوانند به صورت گام‌به‌گام با این منظومه فکری آشنا شوند.

۱۰. جمع‌بندی و بازخوانی سیر هفت‌گانه اندیشه اقتصادی صدر

برای دستیابی به یک فهم منسجم، می‌توان کل منظومه فکری اقتصادی شهید صدر را در هفت گام اصلی جمع‌بندی کرد. این هفت گام، نقشه راهی برای مطالعه و تحقیق در این حوزه فراهم می‌آورد:

۱- **گام اول: ضرورت اقتصاد اسلامی:** اثبات نیاز جامعه به یک راه حل اقتصادی مبتنی بر اسلام برای برون‌رفت از مشکلات.

۲- **گام دوم: ماهیت اقتصاد اسلامی:** تفکیک میان «علم اقتصاد» و «مکتب اقتصادی».

۳- **گام سوم: ویژگی‌های اقتصاد اسلامی:** شمول و جامعیت، اخلاقی بودن، و به‌هم‌پیوستگی اجزاء.

۴- **گام چهارم: اصول اساسی اقتصاد اسلامی:**

اصل مالکیت چندگانه: برخلاف تکیه سرمایه‌داری بر مالکیت خصوصی و سوسیالیسم بر مالکیت عمومی، اسلام ترکیبی از مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی را به رسمیت می‌شناسد.
اصل آزادی اقتصادی در محدوده مشخص.
اصل عدالت اجتماعی.

۵- **گام پنجم: قواعد کلی اقتصاد اسلامی:** سیزده قاعده‌ای که در کتاب «الإسلام يقود الحياة» بر چهار عرصه تولید، توزیع، مبادله و مصرف حاکم است.

۶- **گام ششم: مسئولیت‌های کلان حکومت در اقتصاد اسلامی:** وظایف دولت در تأمین اجتماعی، ایجاد توازن و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی.

۷- **گام هفتم: نظریات اجرایی و کاربردی:** نظریاتی همچون توزیع اولیه منابع ثروت، منطقه الفراغ، و طرح‌های عملیاتی مانند بانکداری بدون ربا.

این چارچوب، مسیری روشن برای ورود به دنیای اقتصادی شهید صدر و درک عمیق‌تر ظرفیت‌های مکتب اقتصادی اسلام فراهم می‌آورد.